

سرپرست گروه‌های نمایشی استان خراسان در (اولین همایش تئاتر شهرستانها در تهران)

**آقای باغیاری لطفاً قدری از خودتان بگویند؟**  
 از دوران دبیرستان با چند نفر از دوستانی که اکثراً جذب سینما شده‌اند کار تئاتر را شروع کردیم. در ادامه با مرکز تئاتر مشهد آشنا شدیم که مقارن بود با تشکیل دفتری به نام «سینما - بکت» (سینمای کوچکت) در مرکز آموزش تئاتر مشهد و به خاطر علاقه‌ای که به کار عکاسی و سینما داشتیم تقریباً فعالیت‌های مختصر تئاتر دبیرستانی هم رها شده و به جمع سینماگران آماتور مشهد پیوستیم. پس از مدتی دفتر سینمای آزاد با حمایت بلوبرونی در تهران تأسیس شد و نیمی آن نیز در مشهد گناس بافت و همان هسته اولیه «سینما - بکت» تبدیل به سینما آزاد مشهد شد. فعالیت مختصری در سینمای آزاد مشهد کردم و در همان موقع به استخدام وزارت فرهنگ و هنر درآمدم. پس از پیروزی انقلاب ۸ سال سرپرستی انجمن سینمای جوانان مشهد را عهده‌دار بودم که در کنار آن بازی، فیلمبرداری و تولید چند فیلم سینمایی و سریال بلوبرونی را به دنبال داشت و در حمال حاضر سال دومی است که سرپرست مرکز هنرهای نمایشی مشهد هستم و بیس از آنکه خودم مباردت به کار هنری بکنم در کنار هنرمندان تئاتر مشهد روزگار می‌گذرانم.

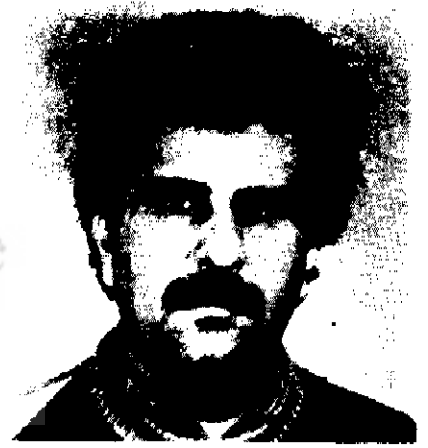
■ در مورد تئاتر استان خراسان به دو شکل می‌نویسد: صاف کرد. یکی نبود جستجواری و پوسته ظاهری تئاتر مشهد، که هر وقت صابری کار کند یا ارجمند کار کند تئاتر استان در فله تئاتر کشور فرار می‌گیرد. ولی تئاتر مشهد درونی هم دارد که اگر بخواهیم بر اساس درونیات آن فضاوت کنیم مأساه خیلی صریح و قاطع باید بگویم تئاتر مشهد مدنهایت که مرده است.

ممکن است علتش را بفرمائید؟

■ علتش در همین توضیح بالا نهفته است. چون کافی است که بواسط وجود تنگناهایی که کم هم نیستند صابری و ارجمند کنار بکنند که کارگردستان با مشکلات موجود مابه شگفتی است و یا مانند صابری از هنرمندان شهرسانی تن به مهاجرت‌های ناخواسته و اجباری به تهران بدهند. بعد ببینید از تئاتر مشهد چه می‌ماند. نه اینکه گمان کنید من فقط پیرامون خودم را نگاه می‌کنم، نه، تمام کسانی که در سال‌های گذشته و اخیر با ادعاهای آجتانی مدعی تئاتر خراسان بوده‌اند، الان فریب به افغانی در جاعانی و به کارهایی دیگر مشغولند که هیچ سبجیتی که نا تئاتر ندارد بماند که به هیچ یک از نمونه‌های هنری مربوط هم نمی‌شود.

**آقای باغیاری تئاتر مشهد با وجود داشتن دلسوزی چون شما که با توجه به مسئولیت عموزی هنرهای نمایشی بودنتان در این همایش و حضور در جشنواره دوازدهم واقعاً دلسوازنده و تلاشگر اگر جسارت نباشد تا حد کارگر ساده‌ای دیدم که فعالیت می‌کردید. چرا باید تئاتر مشهد به اینجا برسد که شما از آن این قدر ناامیدانه صحبت کنید؟**

■ بدون اغراق اگر آقای صابری و آقای ارجمند را از تئاتر مشهد بردارند دیگر چیزی به عنوان تئاتر در مشهد باقی نمی‌ماند. نمونه آن بسیار زیاد است. ما آدم‌هایی در تئاتر مشهد داریم که بعد از یک عمر بودن در محیط تئاتر مشهد آنهم بودن مستمر و فعال هرگاه کار کرده‌اند کار در همان مراحل اولیه نه خاطر عدم سواد تئاتری و بی‌دانشی به بونه فراموشی سپرده شده است. تاریخچه تئاتر خراسان را لاقبل بعد از پیروزی انقلاب مرور کنید یا ارجمند است، یا صابری، یا هر دو. من نمی‌خواهم بگویم که فقط آسمان سوراخ شده و این دو بزرگوار به زمین افتاده‌اند، بلکه آن جوش و خروش و انگیزه لازم را در هیچکس دیگری به این اندازه ندیده‌ام و شدیداً معتقدم که تنها متخصص بودن حاره‌ساز نیست. کسانی که می‌خواهند علم تئاتر این استان را بدوش بکنند بایستی دست از تن‌پروری و تنبلی بردارند. چرا که به قول نمایشی شما در آتش این حرفه لازم‌هاش مسئولیت، تعهد و خون دل خوردن است. این بکت بخش مشکلات تئاتر خراسان است. بحث دیگر، بی‌توجهی مسئولین - عدم وجود امکانات لازم - عدم وجود یک سرپناه که هنرمندان تئاتر در آن احساس است و آرامش کند و... البته مشکلات... دسته



**آقای باغیاری شما ظاهراً در سینما و هنرهای تصویری بیشتر فعالیت کرده‌اید تا تئاتر چطور شد به قول قدیمی‌ها به خانه اول برگشتید؟**

■ بخشی که به سینمای جوان می‌رود و چرا رها کردم در حوصله این مصاحبه نیست. از طرفی نمونه‌های زیادی هست که آدم‌ها در جایی که باید باشند نیستند، ساند مورد من هم یکی از همین نمونه‌ها باشد.

**شما با توجه به مسئولیتی که در تئاتر مشهد دارید و الان هم به عنوان سرپرست گروه‌های نمایشی دعوت شده در همایش تئاتر خراسان به تهران آمده‌اید وضعیت تئاتر استان خراسان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

دوم را خیلی راحت‌تر می‌توان فراهم کرد. ساختن سالی ۲ سال بیشتر طول نمی‌کشد (البته اگر بتوانیم مسئولین بالاتر را محاب کنیم). ولی انگیزه - فداکاری و تلاش آن‌هم در حدی که این حرفه می‌طلبد به این آسانی به دست نمی‌آید.

**شما به عنوان مسئول تا چه حد در رفع این مشکل دوم یعنی ایجاد امکانات لازم اجرایی یک نمایش تلاش کرده‌اید؟ و فکر می‌کنید موانع عدم رفع این مشکلات کجاست؟**

■ در جارت تشکیلات تئاتر این کشور آن ذره که در حساب باید مانم. تلاش من فریب به دو سال مسئولیت این بود، که لاقبل به مسئولان ما فون خودم بقولانم که اعرام بکت گروه تئاتر به جشنواره و یا اجرای یک نمایش در صحنه حداقل امکانات و هزینه را بایستی داشته باشد. و خوشخانه این قدم کوتاه علی‌الظاهر مورد قول واقع شده، ولی از آنجا که معتقدم بایستی برادری ثابت شود و بعد طلب اربث و میراث گردد، برنامه‌هایی در جهت بازیافت شخصیت حقیقی برای دست‌اندرکاران تئاتر که با آن محشورم در دست داریم. در ابتدا به یک بالایش آن‌هم به صورت جدی نیازمندیم، ناخالصی‌ها بایستی زدوده شود. اینجا تن ضعیف و دل خسته می‌خواهد، بازار خود نمایی از آن سوی دیگر است. قطعاً روزیکه هنرمندان تئاتر خراسان به این حقانیت که دست یافتن به آن سختی‌های فراوان دارد رسیدند، دیگران، هم آنان و هم کارشان را باور خواهند کرد و نهایی لازم را به آنها خواهند داد.

**به امید اینکه حاده بازار خودنمایی از ابتدا بن بست شود از شما و تلاشتان که در خدمت تئاتر انجام می‌دهد و اینکه در این نیمه شب (ساعت ۲) با تنی خسته وقتشان را در اختیار ما گذاشته‌اید سپاسگزارم. اگر مطلبی نا گفته مانده بفرمائید؟**

■ اخیراً به همت برادری دلسوز و دانشمند در اداره امور هنری اداره کل فرهنگ و ارشاد خراسان اقدامی بسیار ارزنده و معتمد در شرف تکوین است. در فحطای آموزش و سود امکانات، مدرسه تجربه تئاتر در مشهد راه‌اندازی شده است. حاصل کار این مدرسه طوری که پیش‌بینی می‌گردد تربیت جوانان مستعد، علاقمند و متعهد در زمینه تئاتر است. امیدوارم در آینده نزدیک حاصل کار این مدرسه رفع نقیصه‌ای را که من به عنوان بزرگترین مشکل تئاتر مشهد می‌دانم بنماید. خیلی‌ها در شروع کار این مدرسه گفته‌اند بگیریم بیروی لازم از این مدرسه خارج شد. با کمبود امکانات چه خواهد کرد. من ضمن اینکه آرزو دارم این جوانان دچار آن سربوشت نشوند معتقدم تلاششان و حقانیشان بر تمام مشکلات غلبه خواهد کرد. من هم صمیمانه از شما به خاطر فرصتی که در اختیارم گذاشتید تقدیر و شکر می‌کنم.

**با این بارقه امید ایجاد مدرسه تجربه تئاتر امید داریم در آینده‌ای نه چندان دور تئاتر مشهد به شکوفایی بیشتر برسد و تگرانی‌های شما از بین برود.**

# «تئاتر هنر مشکل هاست»

□ لطفاً خودتان را معرفی کنید؟

■ محمد الهی هستم، متولد ۱۳۳۸، از سال ۵۴ کار تئاتر را شروع کردم و سال ۶۱ به استخدام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی مشهد درآمد. تحصیلاتم دیپلم است ولی در ارزشیابی وزارت فرهنگ با توجه به نزدیک ۲۰ سال فعالیت تئاتری درجه لیسانس گرفته‌ام. وقتی در جشنواره دوازدهم تئاتر فجر به عنوان بازیگر اول انتخاب شدم جدای از جوایز مادی وعده یک جایزه معنوی هم داده شده است که انشاء... زودتر به نتیجه برسد و آن هم پذیرش دانشگاه برای ادامه تحصیل.

□ آقای الهی با توجه به حضور چندین ساله‌تان در جشنواره‌های تئاتر فجر از خانات گرفته تاکنون، تأثیر جشنواره‌ها را در پیشبرد تئاتر چگونه می‌بینید؟

■ طبیعی است که خوب است. در جشنواره‌ها انسان به هر حال به یک بستگی می‌رسد. نمایش‌های دیگر را می‌بیند. تجربه‌های دیگر - تبادل فرهنگی استانی به وجود می‌آید و این خیلی ارزشمند است برای کسی که کار می‌کند.

□ از شما در آتش بگوئید و نشتان؟

■ «شما در آتش» متنی است که حکایت‌گر چند هنرمند فریخته و معتمد به تئاتر است که در عرصه آزمایشات دکتر روانکاو به نام بدخشان به شناختی دیگر از خویشش خویش دست می‌بندد. نمایش در واقع گم شده «اشکین» در برهوت بیگانگی است و از سوئی خود یافتگی «اطلسی» که این دو قهرمانان اصلی نمایش هستند و من ایفاگر نقش «اشکین» بودم. خوب طبیعی است آن بخش‌هایی که متعلق به تجربیات عملی خودم، در ارتباط با تئاتر است از این تجربیات به عنوان بازیگری که سال‌هاست در این زمینه فعالیت دارم بهره بردم. اما بخش دیگر مربوط می‌شود به تحقیق و تفحص درخصوص بیماران روانی که لازم بود از نزدیک نوع رفتار و زندگی‌شان را ببینم. لذا چند باری به آسایشگاه‌های روانی رفتم. که همین امر موجب شد تا بتوانم به نقش‌نگاهی عمیق‌تر داشته باشم، خوب بازی در نقش یک بیمار روانی، گناه آدم را اذیت می‌کند و من طی مدتی که مشغول تمرین نمایش بودم، باور می‌فرمائید که در پاره‌ای لحظات این رفتارهای عصبی، برانم سخت آزار دهنده بود. اما از آنجا که مصمم بودم تصویری درست و همه‌جانبه از «اشکین» ارائه بدهم. تمام این مشکلات را به جان خریدم و خوشبختانه در پایان نتیجه خوبی هم گرفتم. واکنش تماشاگران به هنگام اجرای نمایش در لحظات ارائه نقش برایم تجربه بسیار ارزنده‌ای بود. تماشاگر چه خوب در مقابل این رفتارها واکنش نشان می‌داد. لحظاتی را می‌خندید. لحظاتی را به هیجان می‌آمد و لحظاتی را در سکوت می‌گذاردند.

□ تمرین چه مدت طول کشید؟ و شما زمینه‌های

این موفقیت را در کدام جنبه‌ها می‌بینید؟

■ نمایش تحقیقاً یک‌سال، با روزی پنج ساعت تمرین فشرده به طول کشید. که باز من فکر می‌کنم برای ارائه یک نمایش سالم و با هدف با توجه به امکانات موجود در مشهد بسیار اندک است. اما فرمودید کدام زمینه‌ها موجب موفقیت نمایش شد؟ البته این زمینه‌ها بسیار هستند. مهم‌ترین آنها درک و دریافت درست بازیگر از نقش است تمرین و ممارست و ایحاد ارتباط تنگاتنگ با نقش و هدایت درست کارگردان و صمیمیت گروه اجرایی.

□ آیا فکر می‌کردید به خاطر بازی در این نمایش برنده جایزه بهترین بازیگر اول شوید؟

■ طبیعتاً در مراحل اولیه این امید را داشتم. به خاطر تحقیقی که در پیرامون نقش داشتم. ولی وقتی به تهران آمدم و از نزدیک جدول برنامه‌ها را دیدم متوجه شدم جمعی از بازیگران حرفه‌ای تهران هم حضور دارند که شاید به دلیل شهرستانی بودن کسی ترس برم داشت.

□ اما نتیجتاً شما برنده شدید این را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

■ ببیند ما تربیت‌ییمان را در سالن کوچکی انجام می‌دادیم، تمام میرانسن‌ها در یک فضای ۱۵ متری داده شده بود و بچه‌ها همه تلاششان را می‌کردند و من تلاشم مضاعف بود. و روزی که اجرا داشتیم در جشنواره دکور و نور در ساعت ۳ بعدازظهر آماده شد و ما بدون هیچگونه تمرینی در سن بزرگ تالار وحدت بعد از صرف ناهار ساعت ۴ بعدازظهر که به سالن رسیدیم با ازدهام جمعیت روبرو شدیم. (می‌خندد) بدون حتی یکبار تمرین در صحنه‌ای به این بزرگی. ولی با نام خدا کار را شروع کردیم و با لطف خداوند و علاقه و عشقی که در بین بچه‌ها بود کار اجرا شد و خوشحالم که افتخار دریافت بهترین بازیگر را به دست آوردم و این نقطه درخشانی در کارنامه هنری من طی این بیست سال است و امیدوارم بتوانم با پشتکار و تلاش این افتخار را حفظ کنم.

□ فکر نمی‌کردید که ممکن است بدون تمرین در حالی که باید قضاوت هم می‌شد اجرای بدی انجام شود؟

■ کمی نگران بودم اما این قضیه بارها و بارها تکرار شده بود. چون همیشه در مشهد سالن تمرینات بسیار کوچک است و در تهران سالن اجرایمان بسیار بزرگ و در این مورد فقط تنها کاری که کردم از تجربه بیست ساله خودم استفاده کردم.

□ آقای الهی هنگام دریافت جایزه چه احساسی داشتید؟

■ طبیعتاً خیلی خوشحال بودم چون فکر می‌کردم به حق داورى شده.

□ پس انتظار دریافت جایزه را داشتید؟

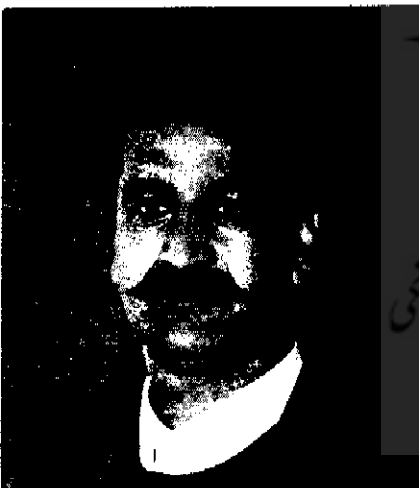
■ بله - زمانی که از صحنه پایین می‌آمدم یک کلام به آقای انتظامی گفتم، متشکرم. و ایشان در پاسخ گفتند: تشکر نیازی نیست، وقتی تشکر می‌کنی اینطور استیلا می‌شود که این حق تو نبوده، جایزه بازیگر حقت بود و نیازی به تشکر ندارد.

□ شما به جز بازیگری در تئاتر - کارگردانی و نویسندگی هم می‌کنید؟

■ من چهار بار کارگردانی را تجربه کرده‌ام. اولین تجربه من در سال ۶۰ بود با نمایش ایستگاه برزخ نوشته آقای حسین نوری که در سالن اصلی تئاتر شهر به مدت یک ماه به صحنه رفت. و جسته و گریخته این مقوله را تجربه کرده‌ام. البته با ترس و لرز.

□ تجربه بازیگری در تلویزیون یا سینما هم دارید؟

■ بله در تلویزیون در سریال‌های روایت عشق، آوارگان عشق، سایه‌ای برای همه و ماجرای سلطان قلی و در سینما زمزمه، کنار خسرو ملک، بازگشت قهرمان، شاپور قریب، و آخرین تجربه سینمایی من با آقای ابوالفضل جلیلی در فیلم تولدی دیگر بود و فراردادی هم برای بازی در سریال شیخ



مفید (خروش دجله) کار آقای فریرز صالح دارم.

□ و حرف آخر.

■ هنر تئاتر و مکان تئاتر برای هنرمند تئاتر مکان مقدسی است و بایستی به آن حرمت گذاشت. هنر تئاتر عشق و ایمان و اعتقاد و از همه مهمتر اخلاق می‌طلبد. استعداد تنها کافی نیست. آموزش می‌خواهد و بر هنرمندان تئاتر است که با حسن اخلاق و با اعتقاد راسخ از مرزهای این هنر مقدس و انسانی دفاع کنند. طی این سال‌ها نیروهای بی‌شمار جذب این هنر شدند. ولی از آنجا که کم اعتقاد بودند و تئاتر را وسیله‌ای برای سایر مقاصد خود قرار داده بودند خودبخود محو شدند و آنها که ماندند، دلسوخگان واقعی تئاترنند، تئاتر هنر مشکل هاست

احتیاج به درایت لازم و صبر و تحمل دارد تا در زمان معینی برنامه‌ریزی‌ها به ثمر برسد و حاصل بدهد.

**کار فرهنگی و به‌خصوص کار فرهنگی هنری، احتیاج به سرمایه‌گذاری، احتیاج به سعه صدر، احتیاج به درایت لازم و صبر و تحمل دارد تا در زمان معینی برنامه‌ریزی‌ها به ثمر برسد و حاصل بدهد.**

این که می‌گویم تئاتر ما در حد صفر است خیلی راحت می‌شود از مکان‌های به اصطلاح تئاتری، مکان‌های گسترش تئاتری، مراکز آموزش تئاتری استنباط کرد. ببیند زانستگی را نمی‌شود بدون اتوموبیل آموخت. اتوموبیل می‌خواهد. مدرس می‌خواهد، صبر می‌خواهد. خطر می‌خواهد تا یک راننده تمویل جامعه داده شود. طبیعی است که برای به‌وجود آوردن تئاتر منسجم، گذشته از تحمل و صبر و بردباری و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و غیره. وسایل و امکاناتی لازم دارد که ضروری است. ببینید حدود ۲۱ سال پیش من به مشهد رفتم و پس از ۲۱ سال هنوز در حسرت یک سالن نمایش می‌موزم. چند روز پیش که در تالار هنر تهران می‌خواستیم نورپردازی نمایش ماه میهمان شب را انجام دهیم. آن‌ها هم از دانستن یک پرژکتور یا یک نورافکن برای دادن نوری

به‌خصوص عاجز بودند. همنطور است در دانشکده‌های ما و در مراکز آموزش هنری ما. ما در سال فکر می‌کنم حدود ۵۰-۶۰ نفر فارغ‌التحصیل تئاتر اعم از بازیگر، کارگردان، نویسنده، طراح دکور و نور و گریم و غیره بیرون می‌دهیم، این‌ها کجا باید جذب شوند؟ ما توجه به اینکه سیاست‌گذاران تئاتر دارند تئاتر دولتی را از برنامه فرهنگی هنری کشور حذف می‌کنند آنها باید جذب کجا شوند؟ کدام سالن، کدام سرمایه‌گذاری هست که بتواند این‌ها را ۵ سال تأمین بکند تا تعدادی نمایش‌نامه روی صحنه بروند. از طرفی آیا این‌ها همه استعداد - بضاعت و توانایی صحنه‌ای دارند یا از بد حادثه به دانشکده راه پیدا کرده‌اند؟ آیا حتی علاقمند بوده‌اند یا فقط به صرف اینکه مدرکی کسب کرده باشند به دانشکده قدم گذاشته‌اند؟ به قول دکتر ربیعی در سخنرانی که داشتند می‌گفتند: تئاتر همبای شوری باید تجربه هم ضمیمه‌اش باشد. این نوری‌ها کجا باید تجربه بشود؟ در یک سالن تئاتری.

این استنباطم این شد که شما اشکال در مرحله صفر ماندن تئاتر را در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مسئولین می‌بینید و آموزش تئاتر سنووال این است که اگر صرف عدم موفقیت تئاتر را در سطح گسترده در این بینیم که آموزش تئاتری ما غلط است، آنهایی که شهرستانی هستند و در جشنواره‌ها کارهای خوبی هم ارائه می‌دهند، چی؟ این‌ها را باید استثنا دید. این‌ها خود جوشی است و توانایی‌های بالقوه.

**وضعیت تئاتر را در مشهد چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

حقیقت این است که کارهای ما را مشهدها نمی‌بینند. ما در تهران و در سایر شهرستانی‌هایی که دارای سالن هستند مشهورتر از شهر خودمان هستیم.

**پس شما در شهر خودتان غریبید؟**

حقیقت ماجرا همین است.

**چرا؟**

یکی از دلایلش را قبلاً گفتم، من بعد از ۲۱ سال هنوز در حسرت یک سالن نمایش در مشهد می‌موزم.

دیگران هم همنطور، تئاتر محل تمرین می‌خواهد، محل اجرا می‌خواهد. کارگردان باید کارش در مواجهه با تماشاچی قرار بگیرد و وضعیتش بر طرف شود، تجربه شود تا کارهای بهتری ارائه شود. مشکل دیگر بودجه است، ببینید گروهی که از مشهد با سه نمایشنامه به تهران آمده ۵۴ نفر است. از این ۵۴ نفر



**آقای ارجمند ضمن عرض خسته نباشد و تشکر از اینکه وقتتان را در اختیار مجله گذاشتید. در ابتدا لطف کرده و مختصری درباره خودتان برای خوانندگان مجله سینما تئاتر بگویند؟**

انوشیروان ارجمند هستم و تقریباً ۳۶ سال است کار تئاتر می‌کنم یعنی از ۱۵ سالگی که اولین جایزه بازیگری را در تالار فرهنگ آن روز گرفتم و تا امروز در محدوده تئاتر قلم و قدم می‌زنم. از نویسندگی و کارگردانی و بازی با طراحی دکور و لباس و نور... تا کارشناسی تئاتر. در این سی و اندی سال که در تئاتر فعالیت می‌کنم و به روایتی خاک صحنه می‌خورم در کارنامه من متجاوز از ۱۲۰ نمایش است، اعم از بازیگری، کارگردانی، نویسندگی و... به هر حال با آن‌ها که با تئاتر سر و کار داشته‌اند چه در تهران و چه در مشهد همواره به عنوان عضو کوچک گروهشان باز و مددکارشان بوده‌ام. البته اگر پرسید: کجا دانش این حرفه را اندوخته‌ام؟ خدمتان عرض می‌کنم در سال ۳۶ یا ۳۷، درست به‌خاطرم نیست. هنرهای رایج کشور به همت دکتر فروغ، اداره‌ای را تأسیس کرد به نام اداره هنرهای دراماتیک که این اداره یک کلاس آزادی در اول خیابان شاه‌آباد سابق دایر کرد که در آنجا آقایان سمندریان، دکتر فروغ و رکن‌الدین خسروی تدریس می‌کردند و من به آن کلاس‌ها رفتم و با مرحوم فنی‌زاده... حلال طالبیان و دیگران که متأسفانه نامشان الان به‌خاطرم نیست هم‌کلاس شدیم.

**آقای ارجمند با توجه به اینکه سال‌هاست تمام زمینه‌های تئاتر را تجربه کرده‌اید وضعیت کنونی تئاتر کشور را چگونه می‌بینید؟**

متأسفانه موقعیت کنونی ما چیزی در حد صفر است. به این دلیل که سیاست‌گذاران فرهنگی و هنری ما برنامه‌های درازمدت برای این هنر در نظر نمی‌گیرند. کارها مقطعی و آماری است. و طبعی است که تعویض هر مدیری در روند همین کارهای مقطعی سر وقفه به‌وجود می‌آورد. کار فرهنگی و به‌خصوص کار فرهنگی هنری، احتیاج به سرمایه‌گذاری، احتیاج به سعه صدر،

آخر که دسمابه اصلش نقالی بود و سابه ماه که دسمابه گسرده‌اش نقالی، برده خوانی و گوشه‌هایی از تعزیه بود. این بار گفتم با این پیشنهاد تجربه‌ای در جهت کار کودک و نوجوان با دسمابه قراردادن تئاتر تحت حوضی و سیاه بازی انجام بدهم. بنابراین متن را با توجه به تئاتر سنتی تحت حوضی خودمان و گوشه‌هایی از تئاتر سبلیک با استعاره نوشتیم. با این امید که راه‌گشا باشد و جرقه‌ای باشد برای دیگران که فهم‌تر از من هستند و قطعاً دانشمندتر از حنجره‌در این راه قلم بزنند تا شاید بتوانیم کودکانمان را هم با نمایش‌های سنی‌گذسته‌مان

## من بعد از ۲۱ سال هنوز در حسرت یک سالن نمایش در مشهد می‌سوزم.

و همچنین تئاتر امروز آشنا کنیم. و تجربه‌ای بکنیم از برخورد آن‌ها با این نوع تئاتر. به هر حال متن را نوشتم و به آقای بابایی دادم و برای یک دوری به زنجان رفتم و آقای بابایی مقداری از کار را انجام دادند. وقتی برگشتم ایشان چون شما به هر صورت از مایه‌های تئاتر سنتی اطلاعاتی دارید بهتر است خودتان این کار را بکنید. و من این کار را کردم و بحمد... در مواجیه با تماشاگر مقداری موفق بود. گویا اینکه خودم واقفم که این کار فقط به عنوان یک پیشنهاد می‌باشد و شاید ضعف‌های بی‌شماری داشته باشد. علاوه بر این برای اولین بار در تئاتر نوجوان ساز سنتی و عارفانه‌ای به اسم سه‌نار را روی صحنه آوردم تا نوازنده‌ای که خودش هم نوجوان است به نام برزو ارجمند که بسرم است و در همین جا باید از دوستانی که صادفانه و صمیمانه و با حسن نیت در این نمایش بازی کردند مثل آقای لشگری، آقای آزادینیا و هنرمند گرانسایه آقای نقی‌نژاد و دیگر عزیزان تشکر کنم و دخترم بهار ارجمند هم نقش طوطی را بازی می‌کرد.

### آیا پیام نمایش چه بود؟

■ پیام نمایش خداجویی است. چرا باید خدا را ستایش کرد و احتمالاً از چه نشانه‌هایی می‌توان همیشه خدا را همراه داشت. ما این تم جلو رفتن و حوب طبیعی است که بران خنده‌کودک و جذب این اندیشه لازم و ضروری بود که تمهداتی به کار ببریم. صادفانه بگویم در همدان شاید تنها نمایشی بود که وقتی از منجاور از ۸۰ کودک درباره پیام نمایش سؤال شده بود، همه پاسخ‌های درست داده بودند. ما گفته‌ام رحمت کشیدن کاری است خدایی منطقی زور ایستادن کاری است خدایی. به بزرگتر احترام گذاشتن کاری است خدایی. در زندگی گوشا بودن کاری است خدایی و به همان نسبت ننگی و رحمت چیزهایی است باز دارنده که هر روز آدم را عیب می‌اندازد. و بچه‌ها این جواب‌ها را کسا بین داده بودند. به هر تقدیر گفتم من در کمال خلوص بیست می‌گویم که این نمایش صرفاً یک پیشنهاد است. یعنی به دیده بررسی تئاتر انوشیروان ارجمند و توقعی که از او می‌رود نگاه نکنید. به انوشیروان ارجمندی نگاه کنید که رسک می‌کند و حسیبت هنرمس را در گرو می‌گذارد برای یک پیشنهاد.

### آیا تشکر می‌کنیم. اگر مطلبی ناگفته مانده بنفرمانید؟

■ اجازه بدهم من یک نکته را یاد آوری کنم که در مجموعه هنر تئاتر خراسان دوست عزیز و گرامردی هستند که همه امید ما به اوست و ایشان آقای حسین باغیاری هستند. اگر امروز می‌بینید که استان خراسان تا به نمایشنامه از مشهد و شرکت می‌کند همه و همه به همت و بیگیری و نقل مسولیت آقای حسین باغیاری بوده و من از همین جا دستشان را می‌فشارم و امیدوارم که بتواند این کار را ادامه بدهند و همواره به عنوان یک مسئول خدمتگزار دلزده شوند و از نامالامات دلسرد شوند و جامعه هنری مشهد را در راه رسیدن به اهداف متعالی‌تر و بالاتر بار و مددکار باشند.

فقط ۱۰ نفر بازیگر دولتی حقوق‌بگیر هستند. بقیه چه؟ من یک نمایش می‌نویسم آقای دوستدار تئاتر را به تهران بیاورم بدون دستمزد و نمایشنامه، سه نمایشنامه. نه ده سال شرایط اقتصادی کمونی اجازه چنین فعالیت و ابزاری را نمی‌دهد. وقتی آقای داریوش ارجمند به سینما روی می‌آورد یعنی یک رکن تئاتر مشهد از بین رفت. وقتی آقای محمدعلی الهی‌مقدم از صحنه تئاتر به هر دلیلی کنار می‌روند رکن دیگری رفته. آقای منصور همایون هم که حتی ارئه پدریشان را سر این کار می‌گذارد و در نهایت می‌روند، هم‌طور. امروز من به سینما و تلویزیون راه پیدا می‌کنم فردا آقای صابری، چرا؟ در حالی که حرفه تئاتر است. علت چیست؟ نباید اینطور باشد که سالی یکبار من یا آقای صابری با آقای آزادینیا یک تئاتر بیاوریم به جشنواره و پرونده تئاتری ما بسته شود. نه. تئاتر احتیاج به جوشش، احتیاج به تکاپو، احتیاج به هست بودن دارد.

این هست بودن ما دائم تکرار بشود. زمانی یک نفر در تئاتر هست که حضورش و نمایش روی صحنه باشد. ما در جشنواره فجر حضور داریم، یعنی هستیم. ولی در طول یازده ماه بقیه کجا هستیم، در پی لقمه‌ای بیشتر، این درد متلا به عموم شهرستان‌ها است.

### آیا متشکرم. آقای ارجمند برگردیم به نمایشتان - ماه میهمان شب - چطور شد این نمایش را کار کردید؟

■ به جاست در اینجا من از دوستی یاد کنم که رفوی پیش من آمدند و یک شعر کوتاه آذری آوردند. شعر درباره یک ماه بود که سردش است و پیش یک خیاط می‌رود و سفارش لباس می‌دهد و دست آخر لباس اندازش نمی‌شود و ماه می‌گوید که سرنوشت اینست که باید سرد باشد. یک شعر فانتزی به زبان آذری - ایشان از من خواستند که برای این شعر یک متن نمایشی بویسم. ناگفته نماند که قبلاً خود ایشان به اتفاق آقای حلیمی از این شعر یک ورسون کار اجرا کرده بودند که خود آقای بابایی راضی نبودند.

### نمایش به صورت منظوم اجرا شده بود یا...

■ بله. به صورت منظوم. بعد آمدند پیش من تا متن را بنویسم و قرار بود خود ایشان برای جشنواره استان همدان کار کنند. من اگر حمل بر خود سبایی و گنده‌گویی نکند همیشه در تئاتر هدف داشته‌ام. و برای متون ایرانی همیشه هدفی را دنبال می‌کردم که باید از آئین‌ها، مراسم و کارهای نمایشی سنتی خودمان مثل نقالی، پرده‌خوانی، تعزیه، تئاتر تحت حوضی و غیره استفاده بکنیم. آن‌ها را دسمابه فرار بدهیم و با ترکیب‌بندی و تلفیق و دانش و تجربه‌ای که در این سال‌ها آموخته‌ام توانم به یک تئاتر ملی و تئاتری نظیر تئاتر لهستان که هویت خاص و بین‌المللی دارد، دست پیدا کنیم. لاجرم می‌بایستی کسانی که در تئاتر فعالند، قلم می‌زنند و می‌نویسند، عکاس‌گردانی می‌کنند. روی صحنه می‌روند این رسک و این از خود گذشتگی را از خود نشان بدهند و با دسمابه قرار دادن این سنت‌های نمایشی به آن تئاتر معبود که همان تئاتر ملی است دست پیدا کنیم. ما با داریوش ارجمند و لطفی‌مقدم و صابری و دیگر دوستانم همواره در مورد این ایده بحث داشتیم، تکاپو می‌کردیم تا انشاء... روزی به این تئاتر دست پیدا کنیم. اگر خاطرم‌ان باشد من در اولین جشنواره بعد از انقلاب با آقای صابری نمایش خانان را آوردم. و قبل از آن را مرودی‌ها و بعد شگرد

نباید اینطور باشد که سالی یکبار من یا آقای صابری یا آقای آزادینیا یک تئاتر بیاوریم به جشنواره و پرونده تئاتری ما بسته بشود. نه. تئاتر احتیاج به جوشش، احتیاج به تکاپو، احتیاج به هست بودن دارد.